

در امتداد حرکت شعرنو گیلکی، ادبیات شعری گیلک در اواخر دهه شصت خورشیدی، وارد مرحله سبکی نوینی با عنوان «هشاشعر» گشت که نمونه‌هایی از این نوع شعری را در این نشریه نیز خوانده‌اید. به دلیل سؤالات بی‌شماری که از سوی دانشجویان درباره هشاشعر و چپستی آن به وجود آمده، دو صفحه از این شماره زینت را به «هشاشعر» اختصاص دادیم.

هَـسَاشَعَر / جواد صادق

از انتهای دهه شصت، به همت جمعی از شاعران گیلک، به‌خصوص محمدبُشرا، رحیم چراغی و محمدفارسی، گونه‌ای از شعر گیلکی متولد شد که **هَساشِعَر** نام گرفت. هساشعر از طرف اولین سراینده‌گانش، **تازه‌ترین** **آواز قومی مردم شمال** نام گرفت. پس از آن توسط تعداد بسیار زیادی از شاعران گیلان و مازندران، هساشعر سروده شد و مجموعه‌هایی نیز به‌صورت کتاب منتشر شد و در بسیاری از مجله‌های گیلان و مازندران نیز، در هر شماره بخشی با عنوان هساشعر چاپ می‌شود.

هساشعر، شعر کوتاه گیلکی است که از تعداد کمی کلمه تشکیل شده است و به شکل لحظه‌ها و تصاویر، به کمک کلمات می‌پردازد.

(1) ادبیات شفاهی و هئاسعر، رحیم چراغی، گیله‌وا - ضمیمه شماره 32
(2) در حاشیه هئاسعر، شمس لنگرودی، همان.

متن زیر توسط بدعت‌گذاران هساشعر تدوین گردیده و در آغاز ارائه آن، در نخستین شماره «گیل‌آئو» در هفته‌نامه **کادح** به چاپ رسید و با گذشت زمان به بیانیه هساشعر معروف گشت:

هشاشعر برخلاف تجارب مکتوب شعر گیلکی در دهه‌های گذشته، به توضیح اشیاء و پدیده‌ها نمی‌نشیند. بلکه در دقایق بحرانی به کشف آن‌ها می‌پردازد.

هشاشعر محصول فشرده گی و به هم پیوسته گی «ایجاز و تصویر» است. جمع بندی و گره خورده گی منطقی و معقول ماجراها، اشیا و پدیده ها در فرمی کوتاه که اندیشه و عاطفه را بازتاب می دهد.

Mi tuqäyen	می توقایی ئن
vurzämo	وورزامو
ji bas, tu	جی بس، تو
täsiyäni marzänä, bagardasi.	تاسیان، مرزانا، بگرداسی.

Säye	سايه
sange amre dardedil kâ dabu	سنگ امره دردديل کا دبو،
ku dil	کو ديل
tukön khord.	توگوئن خورد.

(سایه/ با سنگ درد دل می کرد،/ دل کوه می لرزید.)
دریایی لنگرودی

هشاشعر مازندران:

Varfe läche lache وورف لاجه لاجه.
lokhte däre sar, لخت دار سر,
barsey mive kaläj. بر سه میوه کلاچ.

(برف گلوله گلوله می بارد./ بر درختان عریان،/ کلاغان میوه های رسیده اند.)
حلیلا، قصری

